

# خوشه‌های خشم در پاریس



♦ دکتر منصور تاراجی  
(سرمدیر سابق روزنامه اطلاعات)

◀◀ ریشه‌های خشم هزاران جوان در جامعه فرانسه  
◀◀ ده هزار اتومبیل طی چند روز طعمه آتش شد  
◀◀ خشونت وزیر کشور فرانسه جوانان را شورشی کرد  
◀◀ چرا حالت فوق العاده اعلام شد  
◀◀ جوانان دوازده تا شانزده ساله موج شورش را بوجود آوردند  
◀◀ دو عدد گاز اشک آور به مسجد پرتاب کردند که موجب ناراحتی مسلمانان شدند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

شب عید فطر بود و مسلمانان فرانسه در مساجد به نیایش مشغول. ماه رمضان ماه مبارکی برای آنهاست و محال است کسی روزه نگیرد. برای مسلمانان فرانسه عجیب است که کسی مسلمان نباشد و روزه خور. فرانسه شش میلیون مسلمان دارد که پس از کاتولیک‌ها در فرانسه نخستین مذهب است. شب به تدریج فرا می‌رسید که ناگهان خبر رسید دو جوان ۱۵ و ۱۷ ساله در ترانسفورماتور شهرک کلیشی (وابسته به پاریس) به علت برق گرفتگی جان سپردند. خبر بعدی این بود که این دو نوجوان از ترس پلیس که مشغول بررسی کارت شناسایی جوانان محل بود فرار کرده و در محلی که

ترانسفورماتور نصب بود می‌خواستند پنهان شوند که برق جان آنها را گرفت. خبر بعدی این بود که دو پلیس آنها را دیده بودند ولی برای نجات جانشان اقدامی نکردند. در قانون فرانسه اگر کسی ببیند جان کسی در خطر است و به کمک او نشتابد مجرم شناخته می‌شود. این خبر غم انگیز ابتدا در شهرک کلیشی پخش شد و جوانان نخست آشفته شدند، در نیمه‌های شب ناگهان شعله‌های آتش به آسمان زبانه کشید و صدها اتومبیل خاکستر شدند. روز بعدی جرقه‌ای که در شهرک کلیشی زده شده بود به آتشی عظیم در سایر شهرک‌های حومه پاریس

و شهرهای بزرگی چون لیون، بردو، تولوز، مبدل شد. طی ده روز ده هزار اتومبیل، مهدکودک، دبستان و دبیرستان و مراکز تجارتي خاکستر شدند. دوهزار جوان توسط سه هزار پلیس و ژاندارم و گروه‌های ویژه بازداشت شدند. خوشه‌های خشم زمانی توسعه یافت که "نیکلا سرکوزی" وزیر کشور فرانسه جوانان شورشی را "لش" و در زمره "آوباش" معرفی کرد. سرکوزی شهردار شهرک "تونی" در شمال غربی پاریس است. ناحیه‌ای که اکثر ساکنان آن یهودی، ثروتمند و راست، راست فکر می‌کنند. سالهاست که سرکوزی شهردار این منطقه است و

اهالی آن ضد مسلمانان و ضد مهاجران هستند. هدف سرکوزی این است که در انتخابات ۲۰۰۷ رئیس جمهور فرانسه شود.

سخنان سرکوزی هزاران هزار جوان مهاجر را خشمگین کرد و آنها راه خشونت را برگزیدند.

به موجب آمار رسمی در بعضی شهرک‌ها پنجاه درصد جوانان بیکار هستند که به علی تحصیل را رها کرده و به سیل بیکاران پیوسته‌اند. هنوز بسیاری از موسسات و اداره‌ها از قبول مسلمانان یا سیاه پوستان مهاجر از کشورهای آفریقایی خودداری می‌کنند.

به گفته "زید" یک جوان مسلمان فرانسوی کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا و ... تاوان ظلمی را می‌پردازند که سال‌ها استعمارگران در حق پدران آنها روا داشتند.

زید می‌گوید: نسل دوم و حتی سوم مهاجران شمال آفریقا به فرانسه گذشته، پدران و مادران خود را بیاد می‌آورند و خشم در درون آنها جان می‌گیرد.

زید می‌افزاید: قدرت‌های استعماری به کمک دست‌های پینه‌بسته پدرانشان که تا پای جان کار می‌کردند و با بهره‌گیری از انرژی ارزان سرزمین خود را زیبا و صنعتی کردند و هنوز می‌خواهند سلطه خود را بر جهان حفظ کنند، زید می‌گوید: در سال ۱۸۳۰ فرانسه که قادر نبود بدهی خود را به دولت الجزایر بپردازد به کشور ما حمله کرد هزاران نفر از

طرفداران مجاهد عبدالقادر را کشت و بر الجزایر و بعداً تونس و مراکش مسلط شد و به تدریج همه کشورهای غرب و مرکز آفریقا را مستعمره کرد مانند سنگال، کامرون، غنا، نیجر، توگو، ساحل عاج، مالی، موریتانی و ...

بسیاری از ژنرال‌های فرانسوی اخیراً اعتراف کردند که شکنجه‌های وحشتناکی در کشورهای مستعمره خود به ویژه الجزایر انجام دادند.

طبق تحقیق روزنامه فیگارو در شورش‌های اخیر شهرک‌های حومه شهرهای فرانسه به ویژه پاریس حتی یک آسیایی دیده نشد.

شورش بیشتر در شهرک‌هایی روی داد که ساکنان آنها از مهاجران شمال و غرب آفریقا بودند.

روزنامه لیبراسیون نوشت نسل دوم و سوم "حرکی‌ها" بیش از سایر مهاجران

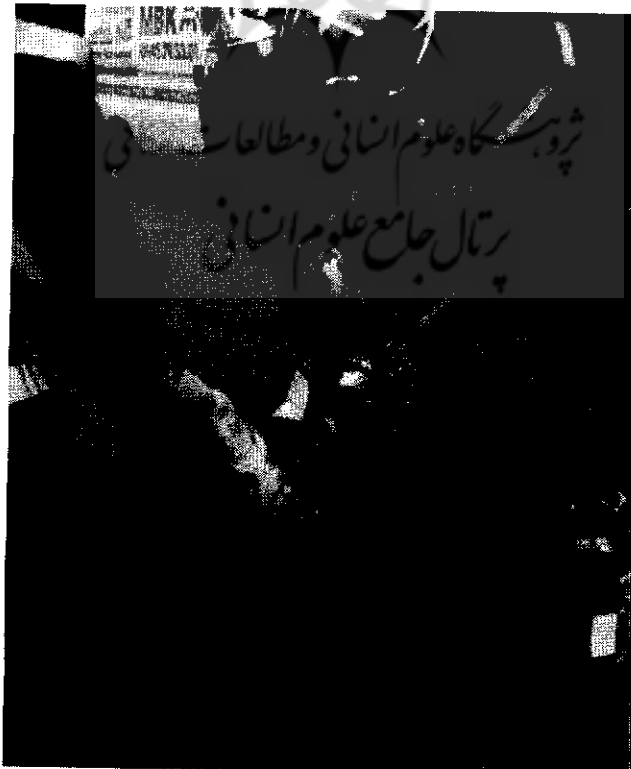
در طغیان شرکت کردند.

حرکی‌ها که تا سال ۱۹۶۲ (سال اعلام استقلال الجزایر توسط ژنرال دوگل) در الجزایر بودند با ارتش اشغال‌گر فرانسه همکاری می‌کردند. پس از استقلال یکصد هزار نفر از آنها توسط مبارزان الجزایری کشته و بیش از یکصد و پنجاه هزارشان به فرانسه گریختند. فرانسه برای آنها تسهیلاتی به وجود نیاورد و هنوز بسیاری از حرکی‌ها سرگردان هستند. آنها طعم تلخ همکاری با بیگانه را چشیدند. بسیاری از نسل دوم و سوم حرکی‌ها که در شهرک‌های حومه شهرهای فرانسه ساکن هستند و نسبت به فرانسه کینه می‌ورزند.

در سال ۱۹۵۰ یعنی حدود ۵۵ سال پیش دولت فرانسه در حومه شهر پاریس و دیگر شهرهای بزرگ صدها برج عظیم وجود آورد و مهاجران را در آنها جای داد با حداقل اجاره این شهرک‌ها که تبدیل به "گتو" شده است سرچشمه شورش‌های مناطق مهاجرنشین است.

"گتو" در زمان جنگ دوم جهانی بویژه در لهستان وجود آمده ساکنان گتوها معمولاً از یک نژاد و کیش هستند و فرهنگ آنها مشابه است.

معمولاً کسانی که در گتوها ساکن‌اند ارتباط بسیار کمی با دنیای خارج دارند. دولت فرانسه از سال ۱۹۸۰ دریافت که برج‌های



چندین طبقه "شورش‌زا" است زیرا به تدریج کثیف می‌شوند و اهالی آن در ارتباط با یکدیگر شورشی از آن زمان دیگر برج ساخته نشد و برج‌های ساخته شده را اندک اندک با مواد انفجاری خراب کردند و ساختمان‌های سه طبقه به جای آنها ساختند.

در اوایل حکومت فرانسوا میتران (مردی که ۱۴ سال رئیس جمهور فرانسه بود) خبر رسید که در چند گتو نزدیک پاریس شورش شده است. میتران برای بازدید از گتوها به حومه رفت و چنین گفت:

کودکی که در این ساختمان‌های رفیع ولی در پوششی از غبار و سیاهی به دنیا آید و در همین محلات بسته بزرگ شود اگر شورشی نشود تعجب آور است. از آن زمان ویران کردن برج‌ها سرعت گرفت.

بسیاری از جوانانی که در این شهرک‌ها زندگی می‌کنند بیکار هستند حتی تا پنجاه درصد هزاران نوجوان از سن دوازده سالگی درس را رها کرده و به سیل بیکاران می‌پیوندند. بسیاری از آنها با باندهای مافیایی همکاری می‌کنند و مصرف کننده مواد مخدراند.

### سخنی که آتش برافروخت

این نام را به یاد داشته باشید: "نیکلاس سرکوزی" امروز وزیر کشور فرانسه است. او وزیر دست راستی (دولت امروز فرانسه راست است) سالهاست که شهردار شهر

"توتی" در حومه پاریس است. اهالی "توتی" اکثر آثروتمند و یهودی هستند و جملگی حامی "سرکوزی".

سرکوزی می‌کوشد در انتخابات سال ۲۰۰۷ رئیس جمهور فرانسه گردد. این جناب دو روز پیش از شورش اخیر در شهرک کلیشی در برابر تظاهرات جوانان که او را "هو" می‌کردند به حالت عصبانیت گفت همه شما "لش" و جزء اوباش هستند

کلمه اوباش همه جوانان شورشی را برآشفست و از همانروز به آتش زدن هرچه در سر راهشان بود دست زدند. طی ده روز پیش از شش هزار اتومبیل در شهرک‌های حومه پاریس طعمه آتش شد.

به تدریج این شورش به سایر شهرهای فرانسه از جمله "تولوز" "لیون" "بردو" و غیره کشیده شد که طی آن دولت از

قانون حالت فوق العاده که در سال ۱۹۵۵ علیه الجزایری های شورشی بوجود آمد استفاده کرد.

### حالت فوق العاده

بر خلاف تصور عده ای در فرانسه حکومت نظامی بوجود نیامده بلکه حالت فوق العاده است. دولت به همه استانداران اختیار داده است که هر لحظه احساس عدم امنیت کردند می توانند در منطقه زیر نفوذ خود رفت و آمد را محدود کنند. تاکنون چند استاندار رفت و آمد پیش از ساعت ده شب تا شش صبح را ممنوع اعلام کرده اند به ویژه در مورد کسانی که سن آنها از ۱۴ سال به پایین است. هیچ روزنامه ای توقیف نشده اجتماع احزاب ممنوع نیست و آزادی اخبار محدود نشده است.

### شادی آمریکا

از آمریکا به عراق که فرانسه از مخالفان آن بود و بارها ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه طی سخنانی که

از تلویزیون فرانسه پخش شد این حمله را محکوم کرد روابط دو کشور فرانسه و آمریکا تیره شد. جرارد فرانسه مقالات زیادی علیه آمریکا منتشر کردند. اقدامات دولت آمریکا علیه تروریسم و اینکه تروریسم را عامل بدبختی جهان معرفی کردند فرانسویان این اقدامات شدید را محکوم کردند و دولت آمریکا را به نقض حقوق بشر محکوم کردند.

در شورش اخیر در فرانسه رسانه های جمعی آمریکا به ویژه 'سی. ان. ان' مرتب تصاویری پخش کردند زیر عنوان 'پاریس در آتش' یا عصیان جوانان کل فرانسه در واقع آمریکائیان شاد شدند و فریاد برآوردند که تجربه فرانسه با شکست روبرو شد. تجربه فرانسه چیست؟

در فرانسه همه کسانی که اقامت آنها قانونی است اگر درآمد ندارند از بیمه مجانی در همه مراحل استفاده می کنند از جمله جوانان که در عصیان اخیر شرکت کردند. همچنین همه کسانی که در فرانسه اقامت دارند اگر درآمد آنها در حدی بود که مالیات نمی دهند از کمک مالی دولت بهره مند هستند در یک کلام کسانی که مهاجر هستند یا از بسیاری مزایای دیگر بهره مند هستند.



جمعیت اکثر شهرک های حومه پاریس را که شورش های اخیر در آنها روی داد مسلمانان تشکیل می دهند

بیکاری بین نسل دوم و سوم مهاجران بسیار زیاد است به ویژه آنها که ادامه تحصیل ندادند به طوریکه در بعضی شهرک ها بیکاری به پنجاه درصد می رسد

از زمان حکومت ژرژ پومپیدو بسیاری از موسسات فرانسه به ویژه ساختمانی، مسلمانان شمال و غرب آفریقا را گروه گروه به فرانسه آوردند. در آن زمان این موسسات احتیاج به کارگر ارزان داشتند و مهاجرت اوج گرفت.

میلیون ها مهاجر وارد کسب شدند و امروز تمامی دکان های بقالی و خواربار در فرانسه را مهاجران اداره می کنند. تبعیض بین مهاجران و فرانسویان بسیار زیاد است و یک فرانسوی به ندرت آنها را استخدام می کند.

توسعه اسلام در فرانسه حیرت انگیز است. امروز در خیابان های فرانسه بسیار

زنانی را می بینی که حجاب اسلامی دارند. اکثر کسانی که حجاب اسلامی دارند از شمال آفریقا هستند.

تضاد بین دو فرهنگ اروپائی و مهاجران و فرزندان مهاجران زیاد است.

در بعضی محلات پاریس یا شهرهای دیگر مسلمانان در جستجوی مسجد و فرانسوی در جستجوی کلیسا است.

اختلاف در نوع غذا، پوشش و شیوه زندگی مسلمانان و فرانسویان زیاد است به ویژه در طرز تفکر آنها.

حزب فاشیستی جان ماری لوپن سال ها است که علیه مسلمانان تبلیغ می کند. او می گوید باید آنها را از فرانسه اخراج کرد. لوپن معتقد است در سال ۲۰۵۰ در مدارس فرانسه قرآن جایگزین انجیل خواهد شد و رئیس جمهوری یک مسلمان و یا یک سیاهپوست آفریقایی خواهد بود.

احزاب چپ معتقدند برعکس باید مهاجران را آموزش داد، رفتار انسانی یا آنها کرد و تبعیض را از بین برد. ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه که برگزیده احزاب راست است نیز معتقد است باید مهاجران را در درون جامعه فرانسه پذیرفت.

همه کودکان و جوانان از هر ملیتی که باشند از آموزش رایگان استفاده می کنند، دانشگاه ها مجانی است و دروازه ادامه تحصیل برای همه باز است.

### اسلام در فرانسه

مهاجرت مردمان تونس، مراکش و الجزایر به فرانسه از سال ۱۹۶۲ (حکومت ژنرال دوگل) که الجزایر پس از جنگ های خونین که هزاران مبارز جبهه آزادیبخش الجزایر کشته شدند شروع شد.

به تدریج سال به سال تعداد مسلمان فرانسه افزایش یافت. پس از دوگل در زمان ریاست جمهوری آرژوپومیدو، ژیکاردستن و بعد (فرانسوا میتران) مهاجران مسلمان قدرتی یافتند صدها مسجد در فرانسه ساخته شد (در پاریس بیش از پانصد مسجد وجود دارد و در شهرهای بزرگ دیگر همچنین).

زاد و ولد مسلمانان از فرانسویان پیشی گرفت به طوری که امروز اکثر خانواده های مسلمان ۵ فرزند دارند و حتی بعضی مردان دو زن دارند و همه آنها از کمک مسکن، کمک اولاد و هر حقوق دیگری که فرانسویان دارند بهره مند هستند معذالک جامعه در تبعیض است و یک مسلمان و یا آفریقایی را به زحمت در خود جای می دهد